

می‌بایستی اوضاع و الگوهای رفتاری که در جوامع بدوی امروزی موجودند و تحقیق می‌شوند را پژوهش و گزارش کنند. همچنین، چنان مطالعاتی به ظهور و تجلی شخصیت فرسوده و متلاشی شده یافته‌های باستانشناختی خدمت می‌کنند، به علاوه آنها نشان می‌دهند که برای بسیاری از اشیاء باستانشناختی تفاسیر متنوع کاربردی ممکن می‌باشند.

## ۱-۲) مسأله تشخیص صحیح پدیده‌های دینی و فرهنگی.

دین پدیده روحی یا ذهنی است که کلمه تقدس یا فوق طبیعی در آن نقش بسیار مهمی ایفاء می‌کند. مشاهده این بیان جوهری و غیرمادی دین نمی‌تواند به صورت باستان‌شناسانه قابل مطالعه باشد زیرا که بقایا گنگ هستند. مفاهیم دینی فقط بواسطه یافته‌های مادی به صورت غیر مستقیم و بطنی قابل ادراک می‌توانند باشند. تحقیق در دین پیش از تاریخی با مشکل تعیین ماهوی اشیاء و یافته‌هایی که علائم توجهات دینی فعال و موجود هستند، مواجه می‌شود. اما نباید بیندازیم که همه یافته‌های شگفت و مرموز حتماً درباره دین چیزی را بیان می‌دارند! یا اینکه نه فقط بعضی بقایا کارکرد کفرآمیز بلکه کاربرد جادویی یا مذهبی هم شاید داشته‌اند.

## ۱-۳) طبیعت حدسی بودن اظهارات عالمانه.

با همه احتمالات، فقط تعدادی اندک از بقایای مادی رفتار دینی پیش از تاریخ بدست آمده و هنوز اندکی از آنها کشف و مستند شده‌اند. همین بر حتمیت طبیعت پراکنده و نابسامان همه اظهارات درباره دین پیش از تاریخی تاکید می‌کند، عدم اطمینان درباره متدلوژی آتی، بحث و جدلها در میان محققان به عنوان اعتبار یا احتمال تفاسیرشان نابسامان‌تر می‌کند. آنطور که عموم مورخان می‌گویند: وضعیتی پوزیتیویستی موجود است که طرفدارانی دارد که کمتر به طبقه‌بندی و توصیف و تشخیص یافته‌های ویژه خویش متمایل‌اند و این طرز فکر و نگرش در تضاد با طرز فکر دیگری است که بر اهمیت ارتباط این یافته‌ها با تجارب مشترک انسانی و جستجو برای یافتن روابط منطقی متناسب با اوضاع زمانه کنونی

دین پیش از تاریخی، باورها و اعمال دینی انسان نخستین را شامل می‌شود. در غیاب هرگونه منابع مکتوب، اظهارات درباره ماهیت دین پیش از تاریخی حتماً و کلاً وابسته به تئوری، ایده‌ها و اطلاعات و استنباطهای مبتنی بر بازسازی بقایای باستانشناختی می‌باشد.

## الف: مسائل بنیادی و روشهای مطالعه.

### ۱) مسائل، ماهیت و منظر پیش از تاریخ.

اصطلاح پیش از تاریخ به مجموعه‌ای از وقایع انسانی و مطالعه این وقایع، تا آنجا که آنها در شکل و ترتیب دادن به زمان حال و شرایط بعدی مؤثر بودند، به هنگام پیش از اختراع نگارش گفته می‌شود.

به عنوان موضوع تحقیق؛ پیش از تاریخ هم شامل مجموعه وقایع و هم انسان به مثابه موجود با فرهنگ در عرصه پیش از نوشتار، می‌شود. مشابه آن، مطالعه دین پیش از تاریخی شامل دو موضوع می‌شود؛ تاریخ دین انسان نخستین و مطالعه دین به عنوان بخشی از فرهنگ انسان یا طبیعت انسان یا هردوی آنها.

### ۱-۱) بازسازی گذشته با بقایای مادی؛

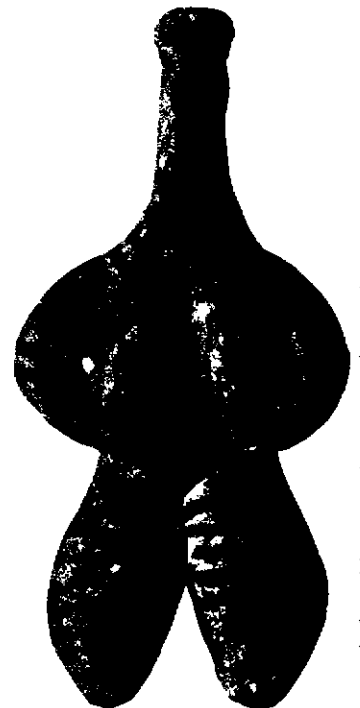
آنگونه که باستان‌شناس پیش از تاریخ بریتانیایی "گلن، بی. دانیل" اظهار می‌دارد: «پیش از تاریخ بواسطه منابع بسیاری مکتوب شده است. بقایای مادی گذشته، تفحص در زبان، انسانشناسی فیزیکی، اسامی اماکن و مردمشناسی مقایسه‌ای، همه منابعی‌اند که در عرصه تاریخ به منابع مکتوب تاریخی یاری می‌رسانند. اما در پیش از تاریخ آنها خودشان منابع اصلی می‌باشند». او تاکید می‌کند که بقایای مادی بسیار مهمتر از منابع مکتوب می‌باشند. در اصل "قرائت" چنان بقایای مادی تفسیر عملی می‌طلبند؛ بصیرتی برای درک کاربرد فرهنگی و معنوی بقایای مادی در زندگی انسان پیش از تاریخ. مهمتر از همه اینکه این تفسیر کاربردی بقایای مادی مقایسه با اشیاء، وقایع و فرایندهایی که مستقیماً شناخته شده یا که به اشکال مکتوب، تصویری یا شفاهی تغییر چهره داده‌اند را مقدور می‌کند. از هنگامی که بخش اصلی پیش از تاریخ به قلمرویی که فرهنگهای ابتدایی نامیده می‌شوند، باز می‌گردد، مطالعات مقایسه‌ای

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

ترجمه بهرام آجورلو

# دین

# پیش از تاریخی



پراکندگی فرهنگی نمی‌تواند حضور داشته باشد، تطابق یا مقایسه ساختارهای فرهنگی یا سبک تزئینات هنری کلید ارزشمند حل مسأله است.

### ۲-۳) روشهای تفسیر مواد باستانشناختی؛

انتقاد از کاربرد<sup>(۱)</sup> تناسبات و تشابهات تاریخی - فرهنگی، بویژه تناسبات پدیده‌های پیش از تاریخ با مذاهب بدوی امروزی، خاصه در عرصه شکاف وسیع زمانی ما بین پیش از تاریخ و جوامع بدوی امروزی، شماری احتمالات متعدد برای دگرگونی در مفاهیم و تکثیر پدیده‌ها بوجود آورد. در همان زمان، مثالهای متعدد نشان داد که گذشت زمان طولانی الزاماً چنین معنی نمی‌دهد که تغییرات اساسی رخ داده‌اند اما تا حدی تمایلات بسیار قوی به طرف باور به رخداد تغییرات اساسی وجود دارند. برای مثال، در کل پیش از تاریخ، اولین تغییر شکل بنیادین واقعی در عرصه تاریخ در اصطلاح کلی فرهنگ (شکل جدید توسعه فرهنگی شکارچی - جمع‌آورنده غذای دوره پارینه سنگی) در حدود سی هزار سال ق.م. اتفاق افتاده است؛ که در مقایسه با صدها هزاره قدمت انسان نخستین، زمانی بسیار ناچیز می‌نماید. خاصه اینکه درک این موضوع بسیار دشوار است که عناصر اولیه شرایط خیلی ابتدایی پیش از تاریخ تا زمان حاضر به حیات خود ادامه داده باشند. توضیح اینکه، در مقابل کثرت و تنوع کنونی پدیده‌ها، می‌توان نشان داد که تعداد احتمالاتی که می‌توانند تحت شرایط منحصر به فرد تشخیص داده شوند تا حدی محدود می‌باشند. نکته بعدی اینکه، یک پدیده معنوی همچون مذهب، در کل آزادانه توسعه نمی‌یابد بلکه توسط کارکردی وابسته، چون حاکمیت اجتماع و محدودیتهای شرایط اقتصادی و زیست محیطی هدایت می‌شود. گذشت زمان، تأثیر متقابل تمایلات سکون یا تغییر، کثرت احتمالات و محدودیتهای شرایط عمومی، توسعه مستقل و وابستگی کارکردی همه و همه وزنه‌هایی علیه یکدیگر هستند. باورهای متفاوت درباره ارزش هر کدام از این موارد به مقیاسی وسیع اساس مباحثات در میان پژوهشگران هستند که فراتر از مفاهیمی اند که ایشان بر مبنای آنها نتایج خود را ترسیم می‌کنند.

پیش نیاز اساسی برای کاربرد تناسبات تاریخی - فرهنگی، فرض وحدت طبیعت ذهنی و روانی انسانها (که نوع بشر در همه زمانها و مکانها اساساً دارای همان ذهنیت می‌باشد) است.

بنابراین یک سؤال اساسی مطرح می‌شود که آیا انسانهای نخستین پیش از تاریخ هم شامل این وحدت طبیعت می‌شوند. پاسخ ویژه به این سؤال مقیاسی بزرگ بر رویکرد ویژه مطابقت می‌دهد، خواه از نقطه نظر زیست‌شناختی یا خواه از نقطه نظر علوم انسانی یا دیدگاه تکامل زیست‌شناختی یا تاریخ. با وجود اینکه تأکید مطالعات انسانی به شباهتهای بنیادی و علی که انسان نخستین را از حیوانات جدا می‌کند، زیست‌شناسان خاطر نشان می‌کنند که انسان نخستین نیمه حیوان می‌باشد. این مهم نیست، بی تردید انسان نخستین از لحاظ تکاملی و منظر زیست‌شناختی به انسان کنونی بسیار نزدیک تر است تا حیواناتی که امروزه آنها را انواع عالی تر میمون‌نماها می‌شناسیم و کیفیت ذهنی معنوی انسان نخستین آشکارا او را از دیگر حیوانات جدا و اساساً وی را به انسانهای امروزی متصل می‌کند.

به همین دلیل است که - در نهایت به عنوان اصلی راهنما در تحقیقات تجربی - در نمایش انسان نخستین به عنوان انسانی ذاتاً انسان و درک شخصیت او با کلمه انسان و فرض وحدت روانی نوع بشر، باستثنای تکامل و توسعه بعدی، اتفاق نظر وجود دارد.

تأکید می‌ورزد و می‌کوشد که زندگی معنوی پیش از تاریخ بازسازی شود.

### ۲) روشها.

#### ۱-۲) بقایای مادی؛

اگر چه مذهب یک پدیده بزرگ ذهنی است اما بازتابهای متعدد مادی هم دارد: کارابزارها، اماکن آئینی و مفاهیم تشریفاتی، تصاویر و سمبلها، قربانی کردن و اهداء نذورات. به هر حال مذهب هنر را به خدمت می‌گیرد و تا حدی درباره باورهای مذهبی از محوطه‌های تدفینی می‌توان به استنتاجی مطمئن دست یافت. تفسیر چنان منابعی در قیاس با اعمال مذهبی حال حاضر، به طور غیر مستقیم، نشان می‌دهد که مثالی کاملاً مشابه یا کمتر مشابه جهت استنباط موجود است.

اینکه یافته‌ای به کدامین مورد از موارد تقسیمات مذهبی متعلق می‌باشد، با روش باستانشناختی اغلب غیر واضح و مکرراً غیر قابل تشخیص است؛ آیا به آئینی قربانی و یک تدفین مربوط است و یا ممنوع خواری و قربانی انسان می‌باشد یا اینکه قربانی حیوان و آئینی جانوری؟ به علاوه گزینش بعضی پدیده‌های خاص مذهبی اجتماعات بدوی امروزی و تطبیق خود به خود آن با مواد باستانشناختی اصلاً کافی نیست، تا حدی انجام وسیع مطالعات مقایسه‌ای با عنایت به ارتباطات مطمئن منطقی برای ایجاد چهارچوب بنیادی مفاهیم، در گام اول ضروری است. معمولاً فقط فرآیندهای کلی عمومی، تا حدی پس از موارد خاص محسوس، می‌تواند در این چهارچوب درک شود. علیرغم آن، شاید یافته‌ها به شیوه‌های متنوعی تفسیر شوند، پس بنابراین گزینش بیشترین تفاسیر معتبر یا بیشترین تفاسیر احتمالاً معتبر، ضروری می‌باشد.

#### ۲-۲) باورهای باستانشناختی؛

اولین گام در تفسیر یافته‌های پیش از تاریخ فقط به ارتباط ایشان / داده‌های باستانشناختی پیش از تاریخ / یا آن دسته از پدیده‌های امروزی که واقعاً قابل مقایسه‌اند یا شباهت اساسی و یا ساختارهای متناسب با آنها / داده‌های باستانشناختی پیش از تاریخ / دارند، وابسته است. برای مثال، یک پدیده دینی تاریخی که با فرهنگ کشاورزی و دامپروری مرتبط است نمی‌تواند، بدون تحقیق کافی، برای توضیح و تشریح یک شیء مربوط به فرهنگ اجتماع شکارچی و جمع‌آورنده غذای پارینه سنگی (عصر حجر قدیم) به کار برده شود. چنان توضیحی و تشریحی، اگر هم معتبر باشد، پیش فرض است زیرا که جدول گاهنگاری پدیده‌های باستانشناختی و مراحل توسعه فرهنگی با اطمینان کامل مشخص و معین شده‌اند، شاید امروزه این معضل قابل ملاحظه نباشد چونکه در چهارچوب اصلی اش حل شده است، اگر چه بازسازی کل مسأله هنوز به نکته سنجی دقیقی نیازمند است.

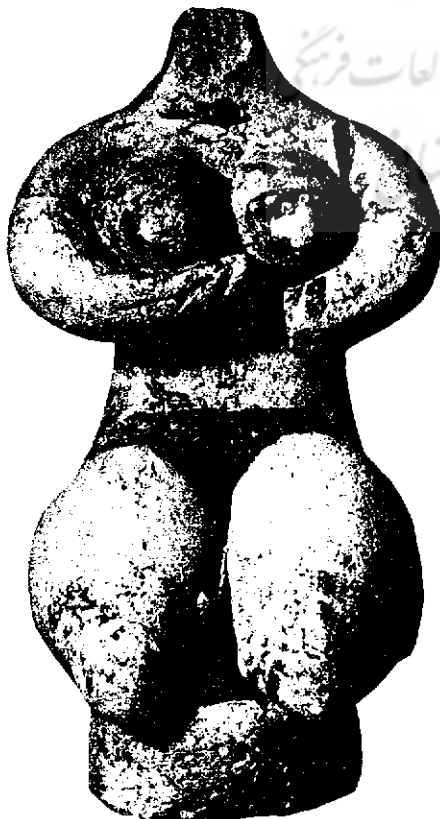
بازسازی مراحل مساوی و منطبق با اجتماعات بدوی امروزی، نه فقط در ارتباط با مراحل پیش از تاریخ بلکه در ارتباط پاسخ به این پرسش که چگونه پدیده‌های بدوی که هنوز موجودند با گذشته پیش از تاریخی شاید مرتبط باشند، هنوز مبهم است و جای بحث و جدل دارد. حتی چنانکه این موارد می‌توانند فقط تجربی باشند، انجام مطالعات مراحل فرهنگی قابل مقایسه یا ساختارهای کهن برای تفسیر پدیده‌ها مهم است. حتی این جنبه قضیه نیز مهم است، اگر پدیده‌ها بتوانند لازمه اطمینان به «حوضه فرهنگی» باشند، بهترین شیوه ایجاد چنین روابطی برقراری جلوه‌های عینی و مستقیم استمرار فرهنگی است؛ برای مثال، ایجاد پیوند و ربط دادن مفاهیم نقاشیهای صخره‌ای آفریقای شمالی با باورهای دینی کنونی در محدوده حوضه فرهنگی اجتماعات شکارچی - جمع‌آورنده غذای اروپا - آفریقای گذشته و حال. حتی چنانکه تداوم یا

در ابعادی قابل ملاحظه، با عقاید درباره مرگ و با آئینهای پرستش نیاکان که سنگها یک قابلیت جاودانگی و شکلی یادمانی مخصوص به ایشان داده‌اند، ریشه دارد. توضیح سنگ افراشته‌های منفرد (منهیرها) بسیار مشکل است که البته می‌تواند سمبل یا جایگاه نیاکان باشد، بویژه آنکه آنها نشان می‌دهند و دلالت می‌کنند که به شکل انسان تراشیده شده‌اند. هر چند که جستجوی تفسیری واحد برای همه یادمانهای مگالیتیکی یا حتی سخن گفتن درباره دین مشخص مگالیتیکی، مطمئناً اشتباه خواهد بود. یادمانهای مگالیتیکی، تا حدی، به عنوان مجموعه‌ای از تجلیات شکوهمند عقایدی که می‌توانست متنوع هم باشد، درک شده‌اند اما علیرغم آن نقش بسیار مهمی را در آئین مرگ ایفاء می‌کنند.

## ۲) همنوع خواری

در میان یافته‌های متعلق به دوره پارینه سنگی، نه تنها تکه‌های بدن انسان بلکه استخوانهای دیگر حیوانات هم به صورت پراکنده در میان لایه‌های باستانی پیدا شده‌اند که گاهی شکسته یا سوخته‌اند. اغلب این مدرکی برای همنوع خواری بیان می‌شود اما دیگر تفسیرات هم که مشابه آن هستند (عمل خوردن گوشت مردار حیوانات [همچون Hyenas]<sup>(۴)</sup>) با توجه به استخوانهای سطح و به علاوه به دلیل سوزاندن آنها با آتش در همان محل) مطمئناً اجازه تفسیر یافته‌ها به همنوع خواری را می‌دهند، هر چند که، باز هم به ما اجازه حتمی نمی‌دهند که حکم به وجود همنوع خواری در آن زمان صادر کنیم.

این تصور منسوخ، هنوز در میان بعضی از محققان امروزی وجود دارد که همنوع خواری پدیده بدوی خاصی است و بنابراین باستانی می‌باشد، می‌بایستی ترک گردد. پژوهشهای مردم‌شناختی به وضوح نشان می‌دهند که همنوع خواری تقریباً منحصراً در رفتار مردمان Agrarian، که در مراحل فرهنگی عقب مانده‌اند، بروز می‌کند و اساساً، مستنداً با باورهای مذهبی یا جادویی که در گیاهان کاشته شده نقش بسیار مهمی را ایفاء می‌کند، مرتبط است. حتی اگر همنوع خواری در دوره پارینه سنگی در مقیاسی وسیع هم موجود بوده باشد، این پدیده را نمی‌توان بوسیله باورهایی که



فرهنگ حلف: (تل جفار بازار) گل پخته، ارتفاع ۸cm، بریتیش میوزیم لندن.

## ب: عقاید و اعمال استنباط شده (۱) آداب تدفین و آئینهای مرگ

کهن‌ترین شیوه‌های تدفینی شناخته شده می‌توانند به دوره پارینه سنگی میانه منسوب شوند. جسد همراه با ابزار سنگی و بخشهایی از بدن جانوران درون چاله‌ای کنده شده در زمین گذاشته شده است و گاهی اوقات اجساد با طلسمی حمایت مخصوص شده‌اند. در بعضی موارد، یافته‌ها این تصور را القاء می‌کنند که مرگ نوعی سفر به ماوراء بوده است. خواه دوستدار بازگشت ایشان [متوفی / بوده‌اند یا نگران و هراسان از آن، در هر حال اشاره‌ای غیر مستقیم به زندگی پس از مرگ به نحوی از اشکال، دارد. اما نتیجه‌گیری به اعتقاد به ارواح مجرد حتمی نیست اما تا حدی می‌تواند بر باور به زندگی دوباره متوفی نیز دلالت کند.

از دوره پارینه سنگی جدید، روش تدفین پیچیده‌تر می‌شود؛ هر چند که استنتاج به تغییر باورهای دینی هم ممکن نیست. همان چاله‌ها برای تدفینهای دیگری هم انتخاب و استفاده شده‌اند، همچون تدفین ثانوی؛ که ابتدا اجازه داده‌اند که جسد بیوسد و سپس استخوانها را دفن کرده و یا سوزانده‌اند (سند از دوره نوسنگی). از این واقعیتهای وجود اعتقاد به ارواح ممکن نیست نتیجه‌گیری شود و نیز تعیین ظهور قطعی چنان باورهایی بر اساس مدارک باستانشناختی غیر ممکن است. حتی افزایش کشفیات اشیاء تدفینی و گهگاه بقایای انسانی نیز برای تغییر باورهای مذهبی مدرک نمی‌باشد اما دلیل نیازهای روزافزون جهان پس از مرگ است. البته نیازهای پس از مرگ، به وضعیت اقتصادی و طبقه اجتماعی متوفی به هنگام حیات هم وابسته‌اند. قیاسهای اخیر (اولیه) پدیده‌ها نشان می‌دهد که ربط دادن آئینهای خاص تدفین به عقاید خاص ماورائی، یا در هر شکل دیگری از باورهای مذهبی، غیر ممکن است. از طرف دیگر، تدفین کل بدن، حالت خاص اندامهای بدن به هنگام تدفین و بویژه مجموعه مهم می‌باشد. جنبه معنوی مجموعه در دوره پارینه سنگی میانه تأیید و تصدیق شده است. هر چند که، حتی از زمانهای اولیه، مجموعه‌ها و استخوانهای دراز انسان به صورت فردی یا دسته جمعی درون یک محوطه منفرد پیدا شده‌اند (برای مثال، انسان پکن). تفسیر این یافته‌ها به مثابه بقایای<sup>(۲)</sup>

شکارسر یا آئینهای رشد یافته مجموعه پرستی حتمی نیست. حتی امروزه بعضی جوامع منحصر به فرد شکارچی - جمع آورنده غذا رسم نگهداری چنان بخشهایی از جسد را برای زمانهای طولانی و حتی حمل آنها در پیرامون بدنهای خود را دارند. همان عمل نیز در پارینه سنگی جدید و حتی در دورانهای بعدی مشاهده شده است اما ممکن نیست به یک استنباط تفصیلی ماهرانه از آئین نیاکان پرستی ناشی از روابط دراز مدت مرگ و زندگی مستقیماً بیانجامد. وضعیت با یافته‌های مکشوف از قرارگاههای دائمی مردمان<sup>(۳)</sup> Agrarian آغاز زراعت، در تضاد دائمی با اجتماعات شکارچی - جمع آورنده غذا، متفاوت است. مدارک برای اعمال آئین نیاکان پرستی در قرن ۷ ق.م. در جریکوی فلسطین برای اولین بار کشف شده‌اند، جاییکه چندین مجموعه روی همدیگر در اتافی مجزا انباشته شده بودند و بعضی از مجموعه‌ها با ماسکی خمیری، مشابه آنچه که امروزه مردمان Agrarian آسیای جنوبی و اقیانوسیه انجام می‌دهند، پوشیده شده بودند. یک آئین مجموعه پرستی معمولاً با آئین احترام به نیاکان مرتبط است. یک بخش مهم آئین پرستش نیاکان اعتقاد به ارتباط میان مرگ و حاصلخیزی زمین و اولاد و فرزندانشان می‌باشد.

یک نوع قابل ملاحظه تدفین، تدفین مقابر مگالیتیکی (سنگهای عظیم) می‌باشد که در محوطه‌های متنوعی در دوره نوسنگی ظاهر می‌شود. احتمال دارد که در این عمل نیز اعتقادی روحانی به ارتباط میان مرگ و زندگی باشد و شاید هم محوطه‌های مقدس و مکانهای گردآوری غذا با مقابر مگالیتیکی مرتبط بوده‌اند. رفتار سازندگان مگالیتها محتماً،

جوامع بسته و محدود و شعائر مذهبی بدوی، قربانیان، اعیاد مذهبی مرگ و عقاید درباره حاصلخیزی، بویژه در ارتباط با رشد و بلوغ گیاهان کاشته شده، نیز گزارش شده است. در مقایسه با اینها، وجود خدمتکاران یا زنان در مقابر اشخاص والا مقام به سختی می‌تواند قربانی کردن به مفهومی دقیق و کامل و واقعی نامیده شود. که هدیه‌ای است به قدرت برتر الهی.

چنان مواردی بیشتر بازتاب طبقه اجتماعی رهبر متوفی و نیاز او به خدمتکارانی در زندگی پس از مرگ می‌باشد تا یک پیشکشی. این نوع قربانی به دلیل احترام خاص و اکرام برای شخصیت و پایگاه اجتماعی رهبر متوفی می‌باشد. این رفتار فقط جائیکه شرایط اجتماعی طبقاتی و متفاوت یافته شده‌اند، بسیار مهم می‌شود (همچون در قبور گورستان سلطنتی اور در بین‌النهرین و در سلسله شانگ در چین). گاهی اوقات هم تقریباً شکل غیر قابل باوری می‌یابد، بویژه در تعداد فراوان اشخاص و حیواناتی که همراه رهبر متوفی دفن شده‌اند. نگهداری اشیاء مذهبی نیز (به م. هومی وسیع) می‌باید شامل در قلمرو قربانی کردن شود. این مورد برای اولین بار در دوره نوسنگی (برای مثال، نگهداری تبرهای آئینی) متجلی گردید و در دوران پسین نقش مهمتری ایفاء کرد. در میان یافته‌های عصر برنز، اسلحه و جواهرات به کرات در چاههای آب و چشمه‌ها یافت می‌شوند. در میان یافته‌های عصر آهن، چنان اشیائی در مقادیر غیر قابل باوری در شماری از باتلاقها و دیگر منابع آب پیدا می‌شوند. به نظر می‌رسد که آنها احتمالاً پیشکشی به ایزد جنگ هستند.

#### ۴) شعائر شکار و آیینهای جانوری.

در کهن‌ترین نمونه‌های شناخته شده از هنر مصور، نمایش نقوش جانوران نقش مهمی ایفاء می‌کند؛ انسانها به ندرت ظاهر می‌شوند و سپس به کثرت با مشخصات حیوانی یا چون اشکال مرکب از انسان و حیوان دیده می‌شوند. در بافت کل وضعیت، مشاهده می‌شود که این صور صرفاً آرایه یا پدیداری یک نیاز هنری محض بوده‌اند؛ آنها بدون چهار چوب و محدوده بر روی دیوارهای صخره‌ای ترسیم شده‌اند و بخشی از یک مفهوم مرتبط با همدیگر نیستند. مستند است که جانوران در جهان ذهنیت دوره پارینه سنگی جدید نقش مهم و فراوانی ایفاء می‌کنند تا آنجائی که این نقش در هنر این دوره منعکس شده است. آنچه که ارائه شده است، اول از همه ارتباط جانور با شکار می‌باشد اما همچنین در زمینه ارتباط جانور با انسان، اشکال انسان ریخت، که ترکیب و آمیختگی اشکال انسان و حیوان هستند، را نیز نشان می‌دهد. این مورد بر ارتباطی آشنا، ویژه و نزدیک میان انسانها و حیوانات دلالت می‌کند که فراتر از اندیشه مدرن ما است و اندیشه مدرن ما آن را درک نمی‌کند. این پدیده مشابه آنچه که امروزه به عنوان جانورگرایی شناخته می‌شود (توحش مرکزی، توحش مداری)<sup>(۵)</sup> است. جانورگرایی با تقرب جادویی و پیوند مذهبی شکارچیان با حیوانات و بویژه با حیوانات وحشی ایفاء نقش می‌کند. جانورگرایی همچنین در توجه به جهان ماوراء و قلمروهای برتر، چون آرام کردن و آغاز کردن برای بخشایش و عفوبازی کشته شدن، انجام و اجراء واسطه‌گری میان خالق و مخلوق با کاربرد استخوانهای جانوران و اجراء تقلیدی رقص حیوان و شعائر باروری برای حیوانات ایفاء نقش می‌کرده است. چنین می‌اندیشیده‌اند که جانوران نیز مثل انسان روح دارند یا به قدرتهای جادویی مجهز می‌باشند. به علاوه، جانورگرایی خودش را در ایده‌های گوناگون چون جانوران به مثابه نگهبانان ارواح، قابلیت تغییرپذیری شکل به انسان و حیوان و نیز وحشی جانور ریختی<sup>(۶)</sup> (جانور ریختی) موجود برتر - که به انسان یا حیوان یا موجودی ما بین آن دو تغییر شکل می‌دهد - متجلی کرده است. موجود برتر، اغلب وحشی جانور ریخت<sup>(۷)</sup> می‌باشد و آنان خدایانی‌اند که بر حیوانات، شکارها و نخچیرگاه یا ارواح بیشه‌زارها حاکم هستند. واضح است که هیچ

ریشه در دوره کشاورزی دارند توضیح داد زیرا که ساختار هر دو متفاوت از دیگری است. وضعیت در دوران بعدی، بویژه در دوره نوسنگی متفاوت است. در اینجا، گهگاه، در چاله‌های زباله یا در گودالها تا حدی بیش از اندامهای جدا شده از اسکلتهای پراکنده در یک قرارگاه، بقایای انسانی مرتبط با بقایای مراکز تهیه غذا و مغاره‌هایی که به عنوان قربانگاه به کار می‌رفته‌اند، یافته شده‌اند. بویژه در جایی که جمجمه‌های انسان شکافته و استخوانهایش سوراخ شده‌اند، تفسیر هم‌نوع خواری اجتناب‌ناپذیر است. این عمل از وقوع آن در قلمرو فرهنگهای Agrarian استنباط می‌شود و انجام مقایسه‌ای با هم‌نوع خواری امروزی را بسیار ممکن می‌کند، جائیکه این عمل عموماً کسب قدرت و دیگر منافع حاصل از قربانی کردن را معنی می‌دهد.

#### ۳) قربانیان

قربانی کردن (پیشکشی یا هدیه به موجودات برتر یا سرگ) در آغاز دوره پارینه سنگی میان ظاهر شد. چاله‌های زباله با بعضی استخوانهای جانوران در مجاورت محوطه‌های تدفینی پیدا شده‌اند، به علاوه تشبیه آن به آنکه آنها به مرگ پیشکشی شده‌اند، ممکن است.

درباره تفسیر جمجمه‌ها و استخوانهای دراز خرس که با نظم و ترتیب چیده شده‌اند، بحث و جدل بسیار می‌باشد. آنها روی هم طوری انباشته شده‌اند که ارائه یک توضیح معمولی بسیار دشوار است. فرض شده است که آنها اهمیتی آئینی یا جادویی داشته‌اند. اندامهای خوب شکار، همچون کله و گوشت‌ران یا مغز و مغز استخوان پیشکشی شده بوده‌اند. حتی اگر صراحتاً نمی‌توان اظهار داشت که چه کسی گیرنده این قربانیان بوده است، مقایسه با پدیده‌های بدوی امروزی آن را مشابه اهداء بخشی از شکار به موجودی برتر که اعتقاد به توزیع روزی و غذا توسط او دارند، می‌کند. به هر حال برای نگهداری از جانوران و احیاء نسل انواع جانوران نیز می‌توانسته باشد. همچنین یافته‌های استخوانی و مشاهده نگهداری جمجمه‌های متصل به مهره‌های ستون فقرات، استخوانهای دنده و پاهای جلویی گاو و بز و گوزن اروپایی نقش مسلم مذهبی یا جادویی را نشان می‌دهند. توضیح غرق همه گوزنهای اروپایی در دریاچه‌ها از توضیح مراسمی قربانی سخت‌تر است. شاید بواسطه پیگرد نشانه‌هایی اندک به این باور رسید که حیوان صید شده به تنهایی مورد توجه نیست بلکه تمام گله مورد توجه است؛ اما یک حیوان به عنوان بخشی و نمادی از همه گله قربانی شده است. چنین مراسمی در زمانهای اخیر هم در میان شکارچیان و رمه‌داران آسیای شمالی و مرکزی موجود بود. همچنانکه چنین یافته‌هایی بسیار بیشتر می‌شوند، به نظر می‌رسد یقین به این باور که بخشهایی از بدن جانورانی ویژه برای قربانی کردن انتخاب می‌شده‌اند، مستند باشد. تفاوت نهادن میان جانور قربانی و آئین احترام به یک جانور، در محوطه‌های تدفینی جانوران دشوار است. در دوره نوسنگی، محوطه‌های مرتبط با تدفین انسان به فراوانی یافته شده‌اند؛ علیرغم آن، به دفعات رسماً اظهار شده است که چنان محوطه‌های تدفینی جانوران، بویژه در گروههای خاص فرهنگی، با تدفین انسان مرتبط نیستند. در این حالات، حیوانات اهلی تقریباً استثنا هستند و در میان ایشان بیشتر سگ و گاو تر دیده می‌شود.

پرسش از قربانی انسان در اینجا اهمیت خاصی دارد. قربانی انسان اغلب با هم‌نوع خواری و قربانی حیوانات مرتبط بوده است. بسیار دیده شده است که گاهی اوقات زنان و کودکان همراه با استخوانهای خوکهای جوان دفن شده‌اند. این رفتار مشابه شعائر مذهبی حاصلخیزی و کشاورزی که در تمدنهای اولیه مدیترانه شناخته شده‌اند، می‌باشد. همچنین مشابه عقاید و رفتارهای مشاهده شده در میان مردمان Agrarian بدوی امروزی است (که خوکها اغلب جانشینی برای انسان هستند) همچنانکه در گورستانهای

گونه‌های متفاوت به فراوانی از قرارگاهها و اماکن این دوران پیدا شده‌اند. شاید آنها سملها و الهگانی را نشان می‌دهند یا شاید نذری بوده‌اند و کمتر با مسأله باروری زن ارتباط داشته‌اند. با اطمینان می‌تواند فرض شود که پیکرکها دلیلی عینی بر باروری را نشان می‌دهند یا با کودکان و یا حتی با اماکن مقدس مرتبط هستند. پیکرکها دارای یک جفت پستان می‌باشند که بسیار برجسته تراشیده شده‌اند و حالت زایمان را تداعی می‌کنند. هر چند که، همه پیکرکهای مؤنث صرفاً به عنوان سمل حاصلخیزی و باروری فرض نشده‌اند و تا حدی آنها را خدایان خانگی یا تصاویر نیاکان پنداشته‌اند و بویژه وقتی که در قبور پیدا می‌شوند به عنوان جاننشینان بدلی خدمتکاران زن و همسران عقدی و صیغه‌ای متوفی هم تصور کرده‌اند. در یک مورد حضور شمار بسیار زیادی از پیکرکهای کوچک به پیشنهاد کاربرد نذری یا جادویی آنها انجامید.

### ۶) شمنیسم، جادوگری و جادو

شمنیسم تا جدی اعمال و تصورات بسیار پیچیده و متغیر است؛ خصوصیت شمنیسم کاربرد خلسه، اعتقاد به ارواح محافظ (که اغلب به شکل جانور با نقش کمک و راهنمایی اموات در سفر به جهان ماوراء) و اعتقادات مرتبط با *Metamorphosis* (تغییر شکل) و سفر به ماوراء می‌باشد. تصاویر دوره پارینه سنگی جدید بر وجود خلسه رفتن و باور به حمایت و کمک از سوی ارواح، که به شکل پرندگان و دیگر جانوران تصور شده‌اند، دلالت دارند. از طرف دیگر اینکه شمنیسم در پارینه سنگی موجود بوده و از آن هنگام توسعه یافته باشد هم مشکوک است. همچنین در مدت پیش از تاریخ، اشیائی که نشان می‌دهند به اسباب و لوازم شمنیسم تعلق دارند موجودند. اشیاء مولد اصوات شگفت (برای فراری دادن ارواح پلید) اغلب در میان بقایای مادی عصر آهن یافته شده‌اند و احتمالاً یا شمنیسم در ارتباط هستند.

مطالعات اخیر بر نقش مذهبی شمنیسم تاکید می‌کند، هر چند که در عمل با جادوگری و جادو مرتبط است. شمنیسم نباید با جادوگری و جادو اشتباه شود، آنها به عنوان تلاشهایی برای انجام ماهرانه جلب قوای مافوق طبیعی یا شگردهای انسانی هستند که در تضاد با مذهب، که انسان نگرشی و رویکردی به موجودات برتر (خدایان) دارد، می‌باشند.

به علاوه جادو یا جادوگری به عنوان رقیب مخالف مذهب ظاهر می‌شوند و هنگامی که مذهب سست یا مغلوب می‌شود، مورد عنایت قرار می‌گیرند. در حقیقت، شاید که جادو و جادوگری اشکال فرآیندی شگفتی بگیرند و مفاهیم خویش را حتی از مذهب اخذ کنند. به همین دلیل، اغلب تصمیم‌گیری درباره نقش جادویی یا مذهبی پدیده‌های پیش از تاریخ مشکل است.

همچنین جادو می‌تواند در مقیاسی وسیع بدون استعمال اشیاء مادی عمل کرده باشد و بنابراین همانند مذهب تشخیص باستان‌شناختی آن بسیار دشوار است. در تفسیر هنر پارینه سنگی جدید، محققان اهمیت بسیاری به جادو می‌دهند زیرا به عنوان مثال، پرتابه‌ها (نیزه‌ها و پیکانها) بر تصاویر حیوانات افکنده شده‌اند. این به آن معنی تفسیر شده که با این عمل جادویی موفقیت و اطمینان شکارچیان تضمین و تکمیل می‌شده است. اما این تفسیر هم بسیار ذهنی و نامطمئن باقی مانده است و در مفهوم این تصاویر درمانده‌اند. تصمیم‌گیری درباره چیستی دیگر تصاویر، مجسمه‌ها، سملها، آبنسره، طلسمهای خوش‌شانسی و اشیاء مشابه آنها در این دوره یا دوره‌های بعد و اینکه آیا کاربرد جادویی داشته‌اند یا نه، مشکل می‌باشد.

### پ: توسعه تاریخی.

#### ۱) الگوهای دینی و مراحل اقتصادی.

تصویری منقوش از چنان موجودات برتر و رفتارشان، در دوره پارینه سنگی نداریم. اما بازتابهای کلی آنها با احتیاط فرض می‌شود.

جانورگرایی کلاً مبنای توتمیسم است که روابط پایدار گوناگون فردی یا گروهی جانوران یا دیگر پدیده‌های طبیعی را شامل می‌شود؛ بنابراین جانورگرایی گهگاه توتمیسم آغازین<sup>(۸)</sup> نامیده شده است. توتمیسم آئینی و فردی برخلاف توتمیسم گروهی، که فقط تقریباً عملکردی اجتماعی است، نزدیکی خاصی به جانورگرایی دارد. ولی مذاهب و مفاهیم آئینی که در توتمیسم گروهی یا کلان هستند، عموماً بسیار اندک مایه توسعه یافته‌اند. تعیین اینکه جانورگرایی تا چه حد نقش توتمیسم را در دوره پارینه سنگی داشته غیرممکن است؛ وجود اولیه توتمیسم کلان مهم است زیرا عمدتاً در میان مردمانی که *Agrarian* می‌باشند اتفاق می‌افتد و احتمالاً نوعی زندگی ساکن و ساکت و آرام پیش‌نیاز توسعه‌اش می‌باشد. همچنین، سنتهای ویژه قربانی در ارتباط نزدیک با رقص آئینی، بویژه رسم نگهداری اسکلت یا بخشی از اسکلت جانور برای آرام کردن حاکم جانوران (به بالانگریز) و تداوم نسل انواع بودند. گونه‌ای جشن خرس پرستی<sup>(۹)</sup> در این باور ریشه دارد و در یافته‌ها و تصاویر متعدد دوره پارینه سنگی جدید شناسایی شده است. در یک مورد پوستی که بر روی سرکشیده شده بود بالای تندیس گلی خرسی قرار داشت؛ جمجمه و استخوانهای دراز خرس سوخته و تکه تکه شده بودند. (این رفتار در پارینه سنگی میانه آغاز شد)

خرس، با افکندن چندین پیکان و با ضربه یا زخمی بر ریه‌هایش شکار و کشته شده بود؛ جانور یا شکل مشابه خرس توسط رقصان احاطه شده بود. شبیه این پدیده مستنداً در همه محوطه‌های فرهنگهای شکارچی دوره نوسنگی سبیری گزارش شده‌اند. این صحنه‌ها می‌تواند با عمل جشن پرستش خرس که هنوز به طور گسترده و پراکنده، در اوراسیای شمالی و امریکای شمالی وجود دارد، تطابق یابد.

پاسخ به این پرسش که آیا جانوران به نوعی اشیاء آئینی بوده‌اند یا نه، قضاوتش سخت دشوار است. علیرغم آن، با آغاز دوره نوسنگی، پدیده‌های جانوری ظاهر می‌شود که احتمالاً صرفاً قربانی یا سمل بوده‌اند. این مسأله به طور اخص از ارائه و ظهور گاوهای نر و ماده و سملیسم سرهای گاو و شاخهای گاو افاده می‌شود.

### ۵) الهگان مؤنث حاصلخیزی.

پیکرکهای کوچک مؤنث که مجسمه‌های ونوس نامیده می‌شوند در اولین مرحله پارینه سنگی جدید ظاهر می‌شوند. در بعضی حالات آنها بسیار استیلیزه هستند و اغلب شناسایی ویژگی زنانه آنها سخت و غیر ممکن است. هر چند که، در حالت دیگر، آنها طبیعی‌گرایانه ساخته شده‌اند ولی حالت زنان چاق که نقش ثانویه جنسی را نمایش می‌دهند (سینه و باسن برجسته) اما صورت، پاها و دستهایشان تقریباً کاملاً استحاله شده‌اند اهمیت بیشتری دارد. چنان اصراری بر اندامی که با آغاز زایمان کودک و شیردهی‌اش مرتبط هستند به آسانی باور به حاصلخیزی زن را القاء می‌کند. علیرغم آن، این تمام حقیقت پیکرکها نمی‌باشد.

مطالعات مقایسه‌ای مردم‌شناختی با پدیده‌های بدوی امروزی پیشنهاد می‌کند که این پیکرکها تجلیات اطلاعات از ارواحی می‌باشند که کارشان یاری و حمایت ویژه از مردم عصر شکارورزی بوده است. همچنین آنها را به عنوان مادران یا حاکمان جانوران، الهگان جهان زیرین، ناجیان عصر شکارورزی، بخشندگان شادی و به عنوان فرمانروایان زمین و دیگر نواحی و قوای طبیعی که شامل حاصلخیزی هم می‌شود پنداشته‌اند.

ارتباط مستقیم این پیکرکهای پارینه سنگی با مشابه‌های آن در آغاز نوسنگی و دورانهای بعدی شناخته شده نیست. پیکرکهای مؤنث در

کمی است، از آنچه که می‌تواند به طور قابل ملاحظه مذهبی، ماورائی و مستنداً دیگر عقاید دربارهٔ خدایان باشد. ارتباط اعمال احیاء جانوران و محافظت نسل انواع، مستنداً بخش مهمی را تشکیل می‌دهد و به باورهای جانورگرایانه نزدیک است. شعائر یکسان به وضوح اهمیت ویژه‌ای برای خرسها قائل گردید و مینایی شد برای گورستانهای خرسها که بعدها به طور وسیع گسترده شدند. اگر چه شاید شمنیسم در بعضی از وجوهاش، مستنداً تازه وارد بوده باشد.

فضای قلمرو اجتماع شکارورزی عمدتاً مذکر بود، علیرغم آنکه در پدیده‌های دینی آن وجه مؤنث هم دیده می‌شود، همچون تجلی نمادهای مؤنث باروری (و احتمالاً الهگان مؤنث)

### ۳-۲) آغاز نوسنگی و نوسنگی.

ویژگیهای دین اولیه ادامه یافته اما در آغاز نوسنگی و نوسنگی تغییر شکل داده شد. شمنیسم بویژه در میان دامداران آسیای مرکزی و شمالی توسعه یافت. جانورگرایی به عنوان جوهر<sup>(۱۰)</sup> موجودات برتر دیده شده است، بویژه عقاب یا شاهین یا کلاغ در شمنیسم بسیار مهم شدند. باورهای جانورگرایانه ادامه یافتند و اغلب چون آئینهای واقعی جانوری متصور شدند. جانوران سمدار بویژه گوسفند و گاو نر به عنوان قربانی نقش مهمی ایفاء کردند و بویژه برای گاوان ماده نقش راهنما فرض گردید؛ به نظر می‌رسید که گاو ماده از حوزهٔ ذهنیت مذکر بیرون رانده شده است. اسبان به عنوان حیوانات اهلی شده و به مثابه قربانیان، در پایان نوسنگی پدیدار شدند. ارتباط آنها با الوهیت بهشتی به عنوان مدرکی بعدی پیشنهاد شد.

در دورهٔ آغازین کشاورزی، پیش از توسعهٔ کامل دورهٔ نوسنگی، انباشتگی مجموعه‌های انسانی به پیشنهاد حضور آئینهای نیاکان پرستی انجامید. معرفتی معنوی میان انسانها و گیاهان نقش مهم در باورهای مرتبط "شکارگر" و ممنوع خواری ایفاء کرد. مرگ یک خدا به عنوان پیش نیاز و زمینه و چشم‌انداز ظهور گیاهان قابل توجه بود و این حادثه اسطوره‌ای بود تکراری که علیرغم قربانی انسان یا جایگزینی قربانی وی با قربانی کردن حیوان، وجود داشت.

در مرحله‌ای مقدماتی، با توأم شدن کشاورزی و وجوها مؤنث اولیه، وجه مذکر نیز نه فقط به شکل توصیف مصور وحدت جنسی و شاید ازدواج مقدس یا همبستری مقدس ظاهر می‌گردد بلکه در حریم زوجها و خانواده‌ها هم دیده می‌شود. هر چند که حضور مستقیم عنصر مذکر به فوریت به کناری می‌رود. معهذاً شاید تبر و احتمالاً گاو در میان بقایای مادی بر عنصر مذکر دلالت کنند.

این وجوها دوگانه پرستی مذکر و مؤنث احتمالاً می‌تواند در اصطلاح پدر آسمانی و مادر زمین و وحدت ایشان به عنوان زوجی که آنها پدر و مادر جهان می‌شوند، تفسیر گردد. در تمدنهای اولیه، باور به یک خدای عالیمقام یا ناظر بلندپایه (که نمی‌توان به وضوح در تصاویر یا در دیگر قالب اشیاء مادی شناسایی کرد) نقشی کوچک ایفاء می‌کند هر چند که معنی نمی‌دهد که چنان باوری حتماً ریشه جدیدی دارد اما تا حدی احتمالاً در یک دورهٔ کهن اولیه در جاهائیکه سنت نگارش نبوده (اکثراً در میان فرهنگهای دامدار) وجود داشته است.

### ۳) دینهای پیش از تاریخی و دینهای تمدنهای نخستین.

عوامل قطعی که تمدنهای نخستین را به باور آورده‌اند انواع جدید سازمان اقتصادی و اجتماعی، انفجار جمعیت در حجمی بزرگ، شکل‌گیری طبقات حاکم، سلسله مراتب سازماندهی شده و تقسیمات اداری کار می‌باشند. تحت چنان شرایطی چندگانه پرستی که بی‌تردید قبلاً رشد یافته بوده است، توانست توسعه کامل یابد. نظم اجتماعی در باور به

دین همیشه ارتباط نزدیکی با دیگر قلمروهای زندگی، چون فعالیت‌های اقتصادی داشته است. این روابط بخشی مستقیم هستند و بخشی بواسطه اشکال اجتماعی مرتبط می‌باشند. از طرفی دیگر مورد دوم در نهایت بخشی به شرایط اقتصادی وابسته است؛ از طرف دیگر، ساختارهای اجتماعی بر شکل‌گیری پدیده‌های دینی تاثیر می‌گذارند و اغلب به عنوان مدل‌هایی برای شرح و تفصیل ایشان خدمت می‌کنند. پس در تعبیری نادرست اغلب ممکن است پدیده‌های واقعاً نامناسب مذهبی را از جامعه‌ای خاص حذف کرد. برای مثال، غیر قابل تصور است که باور مذهبی اجتماعات ساده شکارچی - جمع آورندهٔ غذا شامل سلسله مراتب خدایان با تقسیمات مفصل کار میان فرد فرد ایشان باشد. مشابه آن، اشتباه است اینکه الزاماً باورهای شکارچیان - جمع آورندگان غذا با باورهای مردمان عصر کشاورزی و اراضی حاصلخیز حتماً و قطعاً مرتبط باشند. در تعبیری درست، هر چند که، شرایط مطمئن اقتصادی و اجتماعی توسعه باورهای یکسان مذهبی را تشویق خواهد کرد. بی‌تردید عقایب جانورگرایانه در اوضاعی که جانوران نقش مهمی به عنوان شرکای انسان ایفاء می‌کردند، تاثیر خواهد داشت. علیرغم آن، باز هم علائق به جانوران به طرز قابل ملاحظه‌ای در میان شکارچیان یا مردمان Agrarian که برای تهیه گوشت خوراکی کاملاً به شکار وابسته‌اند با مردمانی که دامدار می‌باشند، متفاوت خواهد بود. از طرف دیگر، در کل فرهنگهای Agrarian عقاید دربارهٔ اراضی حاصلخیز و گیاهان کاشته شده بخشی مهم را داراست؛ آنها با دیگر عقاید دربارهٔ حاصلخیزی و تاثیر دیگر عوامل برتر بر زندگی‌شان مرتبط هستند.

## ۲) الگوهای دینی در دورانهای گوناگون

### ۱-۲) پارینه سنگی کهن، میانه و جدید

کهن‌ترین تدفینهایی که می‌توانند رسماً تأیید و اعلان اعتقاد به زندگی اخروی باشند، در زمانی مابین ۵۰ تا ۳۰ هزار سال ق.م. جای می‌گیرند. از طرف دیگر، مدارک اولیهٔ حیات و فعالیت انسان بیش از یک میلیون سال قدمت دارند. معهذاً، باورهای دینی همیشه مبتنی بر اشیاء مادی نیستند و مدرکی هست که نشان می‌دهد حتی انسان واقعاً در پارینه سنگی کهن نیز باور مذهبی داشته است. این نتیجه که انسان نخستین هیچ شکل دینی نداشته به صرف این حقیقت که هیچ‌گونه اشیاء دینی قابل تشخیص و مقبولی تاکنون پیدا نشده است، قابل ملاحظه و تأمل می‌باشد.

مطالعه بسیاری از جوامع منحصر به فرد شکارچی - جمع‌آورندهٔ غذا در زمانهای اخیر نشان می‌دهد که ایده‌های مذهبی عموماً اغلب موارد قابل ملاحظه‌اند بویژه در میان بدویان (خاصه مورد فتیشیسم) نقش اندکی دارند اما تا حدی در میان دیگر موارد احتمالاً و فرضاً "پیشرفته" باور به خالق شخصی و محافظ جهان نقش مهمی دارد. چنان اعتقادی هرگز بواسطه منابع قابل بررسی باستانشناختی - یعنی بقایای مادی - نتوانسته‌اند کشف شوند و بنابراین نمی‌توانند مصداقی برای پارینه سنگی کهن باشد. خواه ناخواه وجود قربانیانی برای خالق الهی یا محافظان جهان یا دیگر موجودات در آن عصر وجود داشته است یا نه، فقط می‌تواند موضوعی جدسی باشد. شاید فیچرهای [Features] جانورگرایی، جادو و دیگر اشکال و اعمال متنوع نقشی داشته باشند اما احتمالاً نسبت به پارینه سنگی کمتر از دیگر دورانها بوده است.

### ۲-۲) پارینه سنگی جدید و میان سنگی.

فیچرهای [Features] جانورگرایانه در هنر پارینه سنگی جدید فقط در بخشی مشابه بیان مذهبی است که در آن زمان موجود بوده است. در میان مردمان بدوی امروزی قلمرو جانورگرایی اغلب فقط شامل فضای

مجموعه مفید درباره موضوعات دوران پارینه سنگی، میان سنگی و نوسنگی و کالکولیتیک کتاب: «دین پیش از تاریخی: مطالعه‌ای در باستان‌شناسی پیش از تاریخ» اثر «بی. او. جیمز» (۱۹۵۷) است. علیرغم آنکه کتاب «دین پیش از تاریخ در دوره پارینه سنگی» اثر «تی. ای. مناز» (۱۹۲۱) به دوران پارینه سنگی محدود و کهنه و منسوخ شده است اما هنوز کاری کلاسیک و بسیار سودمند می‌باشد. روش مقایسه تاریخی - فرهنگی که در این کتاب به کار رفته است مفید می‌باشد و پس از کتاب «جی. مارینگر» با عنوان «دین پیش از تاریخ» (چاپ ۱۹۵۶، که در ۱۹۶۰ با نام «خدایان انسان پیش از تاریخ» به انگلیسی ترجمه شد) در «مکتب وین» کار شده و بی‌نظیر است. برهان مینا، در کتاب «اف. کرن» با نام «آغاز تاریخ جهان» (چاپ ۱۹۵۳، که در ۱۹۶۰ با عنوان *Wildbooters* به انگلیسی ترجمه شد) بیشتر نمونه‌های شکل‌های فرهنگی محدود شده‌اند.

«کی. جی. نار» با کتاب «رویکردهایی به دین انسان پارینه سنگی کهن» در مجموعه تاریخ ادیان ج ۴ صفحات ۱۱ الی ۲۲ (۱۹۶۴) مساله چشم‌انداز موقعیت روانی انسان نخستین را ارزیابی کرده است. بندهای بعدی توسط همان نویسنده بر محور مسائل خاص دین پارینه‌سنگی جدید هستند؛ «سمبلیایی که ریشه در زمان باستان دارند» در مجموعه *Antaios* ج ۲ صفحات ۱۲۲ الی ۱۵۷ (۱۹۶۱) و در کتاب «جشنهای خرس پرستی و ششمین در اروپای باستان در مجموعه *Saeculum* ج ۱۰ صفحات ۲۲۲ الی ۲۷۲ (۱۹۵۹). معهدتا تا کنون چیزی درباره نوسنگی نوشته نشده است. کتابهای زیرمواد بنیادی برای یکی از مسائل مهم نوسنگی را به دست می‌دهند؛ «گلن. بی. دنیل» با کتاب «سازندگان مگالیتیک اروپای غربی» (۱۹۵۸). باور به اله مادر مگالیتیک در کتاب بالا توسط «ای. قلمینگ» در کتاب «اسطوره اله مادر» در مجموعه «جهان باستان‌شناسی» ج ۱، صفحات ۲۲۷ الی ۲۶۱ (۱۹۶۹) نقد شده است. همچنین شرح جزئیات درباره نقشمایه اله مادر در کتاب «آئین اله مادر» اثر «بی. او. جیمز» (۱۹۵۹) موجود است. نقد توجیهی علیه تفسیر عجولانه و قضاوت پیش رس پیکرکهای مؤتث به عنوان اله مادر در کتاب «شمایلهای انسان ریخت پیش از سلسله‌های مصر و نوسنگی کرت» اثر «بی. جی. اوکو» (۱۹۶۸) مطرح شده است. کتاب دیگر، احتمالاً میانه‌امیز، تفسیر دوره مگالیتیک با تاکید بر خدایان بهشتی، کتاب «دین ماقبل هند و ژرمنی اروپا» اثر «دی. جی. ولفل» در مجموعه «مسیح و ادیان زمین» (ویراسته اف. کونینگ) شماره ۱، صفحات ۱۶۱ تا ۵۳۷ می‌باشد. (۱۹۵۱)

#### پی نوشت:

- این مقاله ترجمه‌ای است از:

*Prehistoric religion; Encyclopaedia Britannica, macropaedia Vol, 1973.*

- شایسته است که از دکتر ح. ملاصالحی برای غنایی که به این ترجمه داشتند سپاسگزاری کنم. ترجمه و تفسیر واژگان ذیل از ایشان می‌باشند. همچنین لازم است توجه خواننده گرامی را به این نکته معطوف کنیم که ترجمه واژگان ذیل به فارسی، در عرصه ادبیات باستان‌شناسی - انسان‌شناسی ایران برای نخستین بار انجام شده است.

۱. *Analogies*: حالت جمع کلمه *Analogy* هر چند که در لغت به معنی قیاس و روش منطقی می‌باشد ولی در متن معنی تناسبات منطقی و قاعده‌مند دارد.  
۲. *Head-Hunting*: آئین بریدن سر امیران یا کشته شدگان دشمن به نشانه پیروزی و نگهداری آنها.

۳. *Agrarian*: از ریشه یونانی *Agrar* با پسوند انگلیسی *ian* منظور و مفهوم مردمانی می‌باشد که زندگی مبتنی بر معیشت شکار و جمع‌آوری غذا را به تازگی به پایان رسانیده‌اند و در مراحل آغازین و ابتدایی زراعت و دامداری می‌باشند. اما به مفهوم دقیق زندگی روستائین و کشاورزی - دامپروری نمی‌باشد.  
۴. *Hyenas*: گونه‌ای گرگ.

۵. *Theriocentrism*: از ریشه یونانی *Therio* به معنی جانور وحشی، جانور شکاری و درنده چون گرگ و پلنگ. *Negualism* از ریشه لاتینی *Negua* به معنی جانور وحشی. هم معنی و معادل کلمه یونانی *Therio*. هر دو واژه به وحشی محوری، توحش مرکزی و توحش مداری ترجمه شده‌اند.

ذهنیتی که توحش بر آن سیطره دارد. جانوران وحشی بر ذهنیت معنری - مذهبی انسان تسلط دارند و از جایگاهی والا و مقامی خاص بهره‌مند می‌باشند.

۶. *Theriomorphically*: کلمه‌ای یونانی که ریخت انگلیسی گرفته است. از ریشه یونانی *Therio* به وحشی جانور ریختی، دده ریختی و دده وارگی ترجمه گردیده است.

۷. *Theriomorphic*: وحشی جانور ریخت. به شکل جانور وحشی.

۸. *Protototemism*: توتمیسم آغازین و اولیه.

۹. *Bear Ceremonialism*: آئین خرس پرستی انگاری، جشن خرس

پرستی، آئین تجلیل از خرس، آئین تقدیس خرس.

۱۰. *Hypostases*: جوهر. از ریشه یونانی *Hypo istases* +

خدایان دولت - شهر و سازمان سلسله مراتبی «ایالات قلمرو خدایان» یا یک تقسیم‌بندی کار منعکس شده است. ارتباط قدرت و مردم در یک مکان، برخلاف سفرهای طولانی فرهنگهای کوچرو اولیه، در ایجاد اماکن مقدس ثابت و متمرکز موثر واقع شد.

معهدتا سنتهای قدیمی ادامه یافتند و در میان ایشان محو نشدند؛ مثلاً جانورگرایی به شکل باور به حاکم جانوران، آئینهای جانوری و پدیده‌های مشابه آن تداوم یافت. پیکرکهای مؤتث حاصلخیزی عموماً اهمیت خود را به مثابه مادر بزرگ و مادر زمین حفظ کردند.

### ت: وضعیت کنونی و چشم اندازهای مطالعه دین پیش از تاریخی.

بقایای مادی عرصه پیش از تاریخ طبیعتاً اطلاعات بیشتری درباره اقتصاد، تکنولوژی و جامعه نسبت به مفاهیم معنوی بدست می‌دهند. فقدان و فقر منابع و ماهیت حدسی آنچه که می‌توان درباره حقیقت امر گفت این است که مطالعه بقایای دین پیش از تاریخی اکثراً در تحقیق علمی جنبه فرعی و پیرامونی دارند. توسعه آتی آن به افزایش منابع مادی و تحقیقی وابسته نخواهد بود بلکه آن براساس پیشرفت روش شناختی در متدهای تحقیق و تفسیر و نظریات اساسی تئوری‌اش پیشرفت خواهد کرد. شناخت دین پیش از تاریخی همیشه بر مبنای داده‌های متلاشی، پراکنده و فرسوده باقی خواهد ماند. هر تلاشی، هر چند برای توصیف مختصر چهارچوب گسترده مساله نگرانیهای خاص خود را دارد.

از طرف دیگر هستند طرفدارانی که می‌کوشند منابع اطلاعاتی را بیشتر توسعه دهند و در طرف دیگر پوزیتیویستها می‌باشند که محدودیت پیش از حد برای تفسیراتشان قائل می‌شوند. کاربرد باور تکاملی اکنون به خطرناکی زیرنهادن یک بازسازی که هیچ عنایتی به این حقیقت ندارد که توالی گاهنگارانه بقایای مادی که بازتابهای پدیده‌های دینی می‌باشند همان چیزی نیست که به مثابه توالی توسعه‌مند ایده‌های بزرگ دینی تلقی می‌شود، است. گاهی اوقات شاید ترکیب صحیح حقیقت مدار و نظری و ظرفیتهای بازسازی اندکی بیشتر تصویری رضایت بخش از دین پیش از تاریخی را بدست بدهد.

### ث: کتابنگاری:

منابعی که درباره دین پیش از تاریخی هستند، نادر و بیشتر غیر انگلیسی می‌باشند.

